

عنوان مقاله:

اگزیتانسیالیسم در شعر یوسف الخال

محل انتشار:

فصلنامه ادب عربی، دوره 5، شماره 2 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

حسن گودرزی لمراسکی - استادیار دانشگاه مازندران

خلاصه مقاله:

انسان به عنوان اشرف مخلوقات، مورد توجه فیلسوفان پیشا سقراطی بود؛ ولی با ظهور سقراط این توجه، کمرنگ شد چون که وی به نسبی بودن برتری های انسان اشاره نمود. بعد از گذشت قرن های متمادی، فیلسوفان بزرگی چون کیرکگارد، مارتین هایدگر، ژان پل سارتر و... ظهور کردند که انسان را محور توجهشان قرار داده و مکتب اگزیتانسیالیسم را بنیان نهادند. این مکتب در مورد انسان و اصالتش سخن گفته، بر تقدم وجود بر ماهیت تاکید ورزیده و همه چیز را از آن انسان می داند. اگزیتانسیالیسم در ادبیات جهانی به خصوص ادبیات معاصر عربی نفوذ کرده و شاعران و ادیبانی چون ادونیس، سیاب و... از آن تاثیر پذیرفتند. یکی از آن ها، یوسف الخال، از شاعران بنام مدرنیسم در شعر معاصر عرب است که در این جستار، با روش تحلیل محتوا و تکیه بر ابیات او، به تاثیر اگزیتانسیالیسم در شعر او با محورهای انسان، آزادی و تعهد پرداخته می شود؛ چرا که وی برای انسان و اصالت او ارزش و اهمیت زیادی قائل است تا جایی که از نظام های کمونیستی به دلیل نادیده گرفتن نبوغ انسان و استعداد های فردی او، شدیداً انتقاد می کند. از نظر او انسان همه چیز است و آزادی حق مسلم اوست؛ آزادی ای که به شناخت او از حقیقت و تشکیل جامعه ای آزاد، کمک کند. او ادبیات را در خدمت انسان دانسته و ادیبی را ارزشمند می شمارد که نسبت به فرد و جامعه، تعهد داشته و حاضر باشد جانش را در راه میهن خود فدا کند.

کلمات کلیدی:

یوسف الخال، اگزیتانسیالیسم، انسان، آزادی و تعهد (گیب، ۱۳۶۶: ۱) در پی این هجوم، کشورهای عربی با کشورهای غربی و تکنولوژی روز، آشنا شده و در زمینه های مختلف اعم از سیاسی، اجتماعی، علمی و... پیشرفت نمودند، ادبیات هم با مکاتب ادبی غرب چون رمانتیسم، سورئالیسم، رئالیسم و... آشنا شد و از آن ها تاثیر پذیرفت. (الخفاجی، ۱۹۹۵: ۱۵۳) یکی از مکتب های فلسفی و ادبی که در ادبیات عربی تاثیر به سزایی گذاشت، اگزیتانسیالیسم است که در فارسی به آن «اصالت وجود» و در عربی «الوجودیه» گفته می شود و بنیان گذار آن کیرکگارد فیلسوف دانمارکی است. (استراترن، ۱۳۸۵: ۱۰) سپس فیلسوفانی چون نیچه، مارتین هایدگر و... ظهور کرده و این مکتب را گسترش دادند، این مکتب توسط فیلسوفانی چون گابریل مارسل ۳ و ژان پل سارتر ۴، فیلسوف و ادیبی که سردمدار اگزیتانسیالیست های الحادی به شمار می آید، وارد ادبیات شد. (www.hazemsakeek.com) هدف اگزیتانسیالیسم، انسان است و انسان، محور آن است. اگزیتانسیالیست ها معتقدند وجود انسان مقدم بر ماهیت اوست. (شریعتی، ۱۳۵۵: ۷) و بنا بر تعبیر هایدگر، وجود بشری بر ذات او تقدم دارد، و یا به کلامی دقیق تر، وجود بشری، ذات اوست. (بارت، ۱۳۶۲: ۴۶) فیلسوفان اگزیتانسیالیسم می گویند انسان تا زمانی که بر اساس فهم و شناخت خود از حقیقت دست به عمل نزده است و درگیر انتخاب و پذیرش مسوولیت نشده است بهره ای از ساحت وجودی انسان ندارد. بشر همان است که خود می سازد. (سارتر، ۱۳۸۰: ۲۹) در این مکتب انسان سرور خود، سرنوشت و طبیعتش است و در این جهان، جایی برای سروری دیگر جز او نیست، از این رو سارتر فرمانروایی انسان را ستوده (سارتر، ۱۳۶۵: ۱۸۰-۱۸۱) و بر آن است که انسان در هر چیزی جز آزاد نبودن، آزاد است و به همین جهت هیچ قانونی، مانع آزادی او نمی شود. (الخفاجی، ۱۹۹۵: ۱۸۰-۱۸۱) بنابراین، انسان و وجود او، محور این مکتب است و در انتخابش آزاد است (زمانی، ۱۳۸۰: ۲۹)، این آزادی برای او تعهد و احساس مسوولیت را به وجود می آورد، چرا که مفاهیمی چون آزادی، اختیار، تصمیم و مسوولیت [ناشی از تعهد] نزد همه فیلسوفان اگزیتانسیالیست، از اهمیت زیادی برخوردار است. (مک کواری، ۱۳۷۷: ۵۳) همان طور که اشاره شد، این مکتب بر ادبیات جهان به خصوص ادبیات معاصر عربی اثر گذاشته و شاعران و ادیبانی چون ادونیس، سیاب، صلاح عبدالصبور، عبدالباسط صوفی و... از آن بهره بردند. (lychaldon.mountactif.com) یکی از این شاعران، یوسف الخال است که انسان و وجودش را محور بحث خود قرار داده است. از نظر او انسان مهم ترین چیز در هستی، و اساس وجود و هدفش است به همین جهت مافوق هر چیزی چون وطن، دولت، جامعه و نظام است همه چیز برای انسان وضع شده است، ولی انسان برای چیزی وضع نشده است. انسان در اندیشه یوسف الخال منبع

ارزش هاست و همه قوانین، صورت‌ها و قواعد، پایین‌تر از انسان هستند نه بالاتر از او، یعنی آن‌ها وسیله اند نه هدف. (السالسی، ۲۰۰۴: ۱۴۳-۱۴۵) اگر بخواهیم از منابع تصویر انسان در اندیشه یوسف الخال نام ببریم، باید به موارد زیر اشاره کنیم: ۱- فلسفه مدرسی توماس اکویناس ۵ که میان عقل و ایمان، ارتباط برقرار کرده و بر کرامت انسان آزاد و ارزش و قدرت او در خلق و ابداع، تاکید می‌ورزد، ۲- فلسفه نیچه که الخال در آن، آرزوها و تفکراتش را یافت به خصوص در شخصیت زرتشت که نمونه سوپرمن یا ابرمرد و مصدر ارزش هاست. (الخال، ۱۹۸۷: ۱۹۳) همان گونه که گفته شد، محور اگزیستانسیالیسم است و آزادی یکی از ویژگی‌های اصلی اوست، از این رو یوسف الخال هم برای آزادی، اهمیت زیادی قائل شده و انسان آزاد را کسی می‌داند که حق را شناخته و در برابر آن تسلیم شود. هر وقت انسان از درون خود آزاد باشد، جامعه‌ای که او فردی از آن است، آزاد می‌شود. (السالسی، ۲۰۰۴: ۴۴) اگزیستانسیالیست‌ها می‌گویند آزادی به انسان اختیار می‌دهد و این اختیار، او را در قبال دیگران متعهد می‌کند (مک کواری، ۱۳۷۷: ۵۳) بدین جهت یوسف الخال خود را در قبال دیگران متعهد دانسته و ادبیات را زمانی ارزشمند می‌شمارد که به مشکلات انسان توجه کند. (السالسی، ۲۰۰۴: ۴۶) در این نوشتار اگزیستانسیالیسم در شعر یوسف الخال بررسی شده و به این سوال اساسی پاسخ داده می‌شود: اگزیستانسیالیسم چگونه در شعر او جلوه گر می‌گردد؟ فرضیه تحقیق با توجه به سوال اصلی تحقیق، فرض نویسنده بر این اصل استوار است که اگزیستانسیالیسم در سه محور انسان، آزادی و تعهد در شعر یوسف الخال جلوه گر می‌شود. پیشینه تحقیق: در مورد اگزیستانسیالیسم و مبانی مختلف آن، مقاله‌هایی به نگارش درآمده است که عبارتند از: ۱. «الموت الخیامی فی شعر صلاح عبد الصبور» مجله «اللغة العربیه و آدابها» (میرزایی و پروانه، ۲۰۰۹: ۱۲۳). ۲. «مرگ اندیشی خیامی در آثار دو شاعر فارسی و عربی: صلاح عبدالصبور و نادر نادرپور» (میرزایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۹) در این دو مقاله مرگ اندیشی اگزیستانسیالیستی، در اندیشه صلاح عبدالصبور و نادر نادرپور، تحت تاثیر تفکر خیام مورد بررسی قرار گرفته است. ۳. «نقد و بررسی اندیشه خردگرایی و آزاداندیشی در شعر متنبی شاعر عرب و ناصر خسرو قبادیانی» (فرزاد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیولیکا:

<https://civilica.com/doc/1789772>

